

Social History Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Biannual Journal, Vol. 12, No. 1, Spring and Summer 2022, 1-25
Doi: 10.30465/shc.2022.40024.2319

The Explanation of Educational Condition and Enactment of the First Law on Workers' Education during Pahlavi Era in Iran (1925-1953)

Hossein Ahmadzadeh Nodijeh* , Ghobad Mansourbakht**

Abstract

The advent of the industrial revolution and the change in the scientific and technical bases of production made technical and professional education and its prerequisite, i.e., literacy, an unavoidable necessity. The communist revolution in Russia and its widespread propaganda about the rights of workers, including the right to education, turned this issue into a fundamental one in the field of politics and society, not only in industrialized countries, but also new countries including Iran encountered the industrial modernization. Therefore, the first Pahlavi government reluctantly gave in to the education of workers. The present essay seeks to answer the question what policies did the governments of the Pahlavi implement for the education of workers from the beginning to 1953? The findings of present study which are based on Archival records, library materials and newspaper show that the inherent need of new industries for formal education on the one hand, and the need to counter communist propaganda and prevent the recruitment of workers by internal leftist groups on the other hand, left no other way than formal literacy for the first Pahlavi

* PhD of history and Official Curator, the Treasury of National Jewells, the Central Bank of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran. (Corresponding Author), h.ahmadzadeh@cbi.ir

** Assistant professor, History, Beheshti University, Tehran, Iran, G_mansourbakht@sbu.ac.ir

Date received: 26/4/2022, Date of acceptance: 8/10/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

government and Finally in the relatively open political atmosphere of the 20s led to the enactment of the first official law on labors education and literacy.

Keywords: Pahlavi era, Labors, Education, enactment, law.



تبیین وضعیت سوادآموزی و تصویب نخستین قانون آموزش کارگران در ایران عصر پهلوی (۱۳۰۴ - ۱۳۳۲.ش)

حسین احمدزاده نودیجه*

قباد منصوربخت**

چکیده

ظهور انقلاب صنعتی و تغییر مبانی علمی و فنی تولید، آموزش فنی و حرفه‌ای و پیش نیاز آن، یعنی سوادآموزی را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرد. وقوع انقلاب کمونیستی روسیه و تبلیغات گسترده درباره احقاق حقوق کارگران از جمله حق آموزش، این موضوع را نه تنها در کشورهای صنعتی بلکه در کشورهای تازه‌وارد به عرصه نوسازی صنعتی، از جمله ایران، به مسئله‌ای اساسی در حوزه سیاست و اجتماع تبدیل کرد. از این رو، دولت پهلوی اول اگرچه به اجبار به آموزش کارگران تن در داد. جستار حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که دولت‌های دوره پهلوی از ابتدا تا سال ۱۳۳۲ ش چه سیاست‌هایی را جهت آموزش کارگران به اجرا درآوردند؟ یافته‌های این پژوهش که برپایه روش ترکیبی، توصیفی، علی و عقلانی نگاشته شده نشان می‌دهد که نیاز ذاتی صنایع جدید به آموزش رسمی از یک سو و لزوم مقابله با تبلیغات کمونیستی و جلوگیری از جذب کارگران توسط گروه‌های چپ‌گرای داخلی از سوی دیگر، راهی جز اقدام به سوادآموزی رسمی پیش‌روی دولت پهلوی اول باقی نگذاشت؛ اقدامی که در ادامه در فضای سیاسی نسبتاً باز دهه ۲۰ شمسی به تدوین نخستین قانون رسمی آموزش و سوادآموزی کارگران منجر شد.

* دانش‌آموخته دکتری تاریخ و متصدی خزانه جواهرات ملی بانک مرکزی ج.ا.ا، تهران، ایران (نویسنده

مسئول)، h.ahmadzadeh@cbi.ir

** دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، G_mansourbakht@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: دوره پهلوی، کارگران، آموزش و تعلیم، تصویب قانون.

۱. مقدمه

با وقوع انقلاب صنعتی دو حادثه اساسی در عرصه تولید رخ داد؛ نخست جایگزینی ماشین به جای ابزار دستی و عضلات انسان و حیوان؛ دوم: جایگزینی علوم تکنولوژیک جدید به جای فنون تولید مبتنی بر عقل سلیم. اگرچه مخترعان، کاشفان و پژوهشگران، دست اندرکار ایجاد علوم، فنون و صنایع جدید بودند، اما اداره، نظارت، طراحی و مدیریت کارخانه‌ها و خطوط تولید برعهده گروه نوظهوری به نام مهندسان بود که سال‌ها تحت آموزش‌های رسمی قرار گرفته بودند. طبعاً مسیر تولید با مهندسان آغاز می‌شد، اما با کارگران به پایان می‌رسید. کارگران صنایع جدید متناسب با کاری که برعهده داشتند نیازمند مهارت آموزش و کسب اطلاعات فنی لازم بودند. علیرغم وجود شرایط علمی و آموزشی مناسب در کشورهای اروپایی به عنوان خاستگاه علوم و فنون و صنایع جدید، حل مسئله آموزش کارگران با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بود.

با روی کار آمدن دولت نوساز پهلوی و احداث صنایع مختلف، ایران نیز با مسئله جدیدی در عرصه آموزش کارگران رو به رو شد. کارکرد درست و بهره‌وری مطلوب صنایع تازه‌تأسیس بدون سوادآموزی کارگران قابل حصول نبود. تحقق این امر ایجاب می‌کرد که دولت با تصویب قوانین لازم، به تسهیل مسئله سوادآموزی کارگران بپردازد. سرانجام با تصویب «نظامنامه کارخانجات و موسسات صنعتی» در سال ۱۳۱۵ش / ۱۹۳۶م مسئله سوادآموزی کارگران به طور جدی مورد توجه قرار گرفت؛ اما این توجه به خودی خود، برای تصویب قوانین لازم و قانونمند کردن سوادآموزی کارگران کفایت نمی‌کرد.

مقاومت دولت پهلوی اول در حل این مسئله، موجب شد تا این امر با حدود یک و نیم دهه تأخیر در فضای سیاسی نسبتاً باز اواخر دهه بیست شمسی لباس واقعیت به خود بپوشد. نکته بسیار مهم و تأثیرگذار در مسئله سوادآموزی کارگران، چه در اروپا و چه در ایران نقش انقلاب کمونیستی روسیه بود. با وقوع انقلاب مذکور و تبلیغات گسترده آن درباره احقاق حقوق کارگران از جمله حق آموزش فضای اجتماعی جوامع اروپایی تغییر و این امر به مطالبه کارگری و اجتماعی تبدیل شد. اما، این امر در ایران جنبه سیاسی هم پیدا

تبیین وضعیت سوادآموزی ... (حسین احمدزاده نودیجه و قباد منصوربخت) ۵

کرد و در عمل به تقابل و رقابت میان احزاب چپ‌گرا و دولت پهلوی برای جذب و همراه‌سازی کارگران با خود منجر شد.

مقاله حاضر، جستاری است در پاسخ به این سؤال که وضعیت و تصویب قوانین سوادآموزی کارگران در دوره پهلوی از ابتدا تا سال ۱۳۳۲ش چه مراحل طی کرده است؟ این مقاله تلاش می‌کند تا با استفاده از اسناد و جراید موجود ضمن بازنمایی و بازسازی وضعیت سوادآموزی کارگران در آن دوره، علل و دلایل تأخیر سوادآموزی کارگران و تصویب قوانین آموزش کارگران را در مقایسه با سرعت ایجاد صنایع جدید مورد تبیین قرار دهد.

پژوهشگران مرتبط با تاریخ کارگری در ایران عمدتاً به وضعیت سیاسی کارگران، نقش احزاب و قیام‌های کارگری معطوف شده‌اند. در دهه اخیر موضوعات اجتماعی نظیر زنان و اطفال کارگر نیز تا حدی مورد توجه واقع شده است؛ اما، به موضوعاتی نظیر آموزش، مسکن، بهداشت و تربیت بدنی و سلامت روانی کارگران در ایران عنایت چندانی نشده است. نویسندگان این مقاله طی یک پروژه جامع اقدام به تدوین و نگارش مسائل فوق در قالب سلسله مقالاتی کرده‌اند که پایه و اساس آن در هنگام نگارش پایان‌نامه دکتری اینجانب حسین احمدزاده نودیجه ذیل عنوان «تاریخ ظهور و تحول مفهوم جدید کارگر در ایران معاصر ۱۲۸۵-۱۳۳۲ش» ریخته شده است.

۲. وضعیت آموزش و تحصیل کارگران در دوران پیشاپهلوی

تا پیش از تأسیس سلسله پهلوی اول (۱۳۰۴.ه.ش / ۱۹۲۵م) و توسعه سیاست‌های صنعتی‌سازی کشور توسط رضاشاه، به مسئله حق آموزش کارگران در ایران - جز اشارات جسته و گریخته - توجه چندانی نشده و قانون رسمی مدونی در این باب به تصویب نرسیده بود. در واقع، هیچ قانونی در راستای حمایت از حقوق کارگران به‌طور رسمی از جانب حکومت و دولت وضع نشده بود (عبداله‌یف، ۱۳۶۰: ۱۰۴)؛ ملاک و معیار عمدتاً قراردادهای عرفی و شرعی بود که به طور خصوصی میان کارفرما و کارگر بسته می‌شد و بسته به عرف و عادت در هر محل و ولایت متفاوت بود. این قراردادها اصولاً بر اساس موازین شریعت اسلامی میان کارفرما و کارگر منعقد می‌شد (اسناد وزارت امور خارجه، ۵۰/ ۱۳۳۷ / ۳ / ۱۵ / ۵۱؛ ۱۳۳۷ / ۳ / ۱۵ / ۵۲؛ ۱۳۳۷ / ۳ / ۱۵ / ۵۹؛ ۱۳۳۹ / ۱۴ / ۱۴)

۱۳۳۹/۵۹/۵/۱۵/۱۳۳۹ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۱۵/۱۳۳۹ ق؛ سازمان اسناد ملی ایران، ۵۵۰۷-۲۹۳؛ کرزن، ۱۳۸۷: ۲/۶۲۳)

نخستین بار منورالفکران ایرانی دوره قاجار که از طریق سفر به اروپا و آشنایی با ترجمه آثار روشنفکران سوسیالیست اروپایی با تکوین طبقه کارگر صنعتی در اروپا و حقوق موضوعه آن‌ها آشنا شده بودند به نظریه پردازی در باب حقوق کارگران به طور اعم و حق آموزش آن‌ها به طور اخص پرداختند (احمدزاده، ۱۳۹۸). براساس تحقیقات انجام شده، خان‌خانان اولین فردی بود که در ایران در رساله خویش ذیل عنوان "سیاست مدن" در سال ۱۳۱۴ه.ق/۱۸۹۶م خواهان اعطای اجازه حق تحصیل به کارگران دوازده تا شانزده سال گردید (زرگری نژاد، ۱۳۹۵: ۴/۳۵۵).

پس از پیروزی نهضت مشروطیت در ایران (۱۲۸۵ه.ش/۱۹۰۶م) و باز شدن فضای سیاسی کشور، رشد و گسترش انجمن‌ها، احزاب و جراید وابسته به اندیشه‌های چپ سوسیالیستی، چاپ رساله‌ها و اعمال فشار بر دولت‌های پسامشروطیت، حق تحصیل اجباری و رایگان برای تمامی اقشار جامعه تبدیل به گفتمانی غالب در ایران گردید.^۱ به همین دلیل، برخی از جراید مانند صوراصرافیل که مقالات سوسیالیستی آن عمدتاً به قلم دهخدا بود خواهان حق تحصیل رایگان و اجباری برای کارگران شدند (صوراصرافیل، ۱۳۲۶ ق، ش ۲۸: ۴).

کوتاه بودن عمر دولت‌های مشروطه و فقدان برنامه جامع توسط کابینه‌ها، ملتهد بودن فضای سیاسی کشور، وقوع جنگ جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۷م و درگیر شدن ایران در این جنگ بزرگ، فقدان کارگر صنعتی مدرن در ایران،^۲ اوضاع ناآرام ناشی از کودتای ۱۲۹۹ش/۱۹۲۱م و فقدان قانون رسمی و مدون کار تا روی کار آمدن سلسله پهلوی اول، سبب شد مسئله آموزش و تحصیل کارگران محدود به رساله‌ها، بیانیه‌ها، شعارهای تبلیغاتی احزاب و انجمن‌ها گردد و جز چند اقدام محدود از سوی دولت و خودجوش از سوی اصناف کارگری و شرکت‌های خارجی، اقدام خاصی در این راستا صورت نگیرد. از جمله این اقدامات می‌توان به تأسیس مدرسه صنایع ظریفه در تهران (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۴، ش ۲۵۹۴: ۱ و ۸)؛ فعالیت صنف کارگران بندر انزلی (روزنامه کار، ۱۳۰۲، ش ۴۵: ۲)؛ تأسیس مدارس عمومی و حرفه‌ای رایگان برای کارگران به دستور سید ضیاء در سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م (فلور، ۱۳۷۱: ۱۰۹)؛ افتتاح هنرستان نجاری و آهنگری برای تربیت شاگردان به

تبیین وضعیت سوادآموزی ... (حسین احمدزاده نودیجه و قباد منصوربخت) ۷

سبک اروپایی (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۴، ۲۵۹۴: ۱ و ۸)؛ تأسیس مدرسه اکابر خراسان (سازمان اسناد ملی ایران: ۱۹۵۶/۲۴۰)؛ افتتاح مدرسه قالی در سال ۱۳۰۹ش / ۱۹۳۰م (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۴، ش ۲۵۹۴: ۱ و ۸؛ روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۴، ش ۲۵۳۶: ۱) و اقدام شرکت کمپانی نفت انگلیس و ایران اشاره کرد که طبق ماده ۱۲ امتیاز داری موظف به تأسیس مدارس ابتدایی، متوسطه و فنی به منظور آموزش کارگران در شهر خوزستان بود (سازمان اسناد ملی ایران: ۱۹۵۶/۲۴۰).

۳. دولت پهلوی اول و نخستین تکاپوهای مرتبط با آموزش کارگران

با تأسیس سلسله پهلوی اول (۱۳۰۴ش / ۱۹۲۵م) و سیاست‌های اقتصادی حکومت مبنی بر صنعتی‌سازی کشور، صنایع و کارخانجات ماشینی رو به گسترش نهاد و به تبع آن اولین هسته‌های کارگر صنعتی در ایران ظهور کرد (فلور، ۱۳۷۱: ۳۷ و ۳۸ و ۴۱-۴۸؛ فوران، ۱۳۷۷: ۳۵۱-۳۵۳؛ آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۸۲ و ۱۸۳؛ ساتن، بی‌تا: ۳۰۱). نیاز صنعت به کارگران آموزش دیده از یک سو و عضویت ایران در اداره بین‌المللی کار در ۹ دی ۱۳۰۰ ه.ش / ۳۰ دسامبر ۱۹۲۱ و فشار مجامع جهانی از سوی دیگر موجب شد تا مسئله آموزش کارگران در کنار سایر حقوق موضوعه با جدیت بیشتری دنبال شود. علاوه بر این، دولت پهلوی اول در تقابل با ایدئولوژی‌ها و مکاتب چپ و احزاب حامی طبقه کارگر و به منظور جلوگیری از افتادن کارگران به دام آن‌ها خود به دایر کردن کلاس درس و آموزش رایگان کارگران پرداخت (احمدزاده و منصوربخت، ۱۳۹۸: ۶-۴۰).

دولت پهلوی در زمینه آموزش صنایع، ابتدا کار خویش را با تأسیس کلاس‌هایی برای احیا و آموزش صنایع ظریفه ایرانی آغاز کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۴، ش ۲۵۳۴: ۱؛ اطلاعات، ۱۳۱۴، ش ۲۵۳۶: ۱). این وظیفه ابتدا از طرف دولت به اداره کل صناعت و سپس به صورت یک برنامه جامع به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (که در سال ۱۳۱۷ه.ش به وزارت فرهنگ تغییر نام داد) محول گردید. طبق نظامنامه مصوب ۱۶ خرداد ۱۳۱۵/۲۷ مه ۱۹۳۶ و به دستور وزارتخانه مذکور تحقق این هدف در دستور کار مدیران مدارس آموزش سالمندان (اکابر) قرار گرفت و نامه تأسیس اکابر و آموزش کارگران نانوائی‌ها، انبار و گوشت‌فروشی‌ها، کارگاه‌ها، گرمابه‌ها، رستوران‌ها و اماکن عمومی، سلمانی‌ها، بقالی‌ها، سبزی‌فروشی‌ها، شوهرها و درشکه‌چی‌ها و سایر طبقات کارگر مشغول

در کارخانجات به مراجع ذیصلاح ارسال گردید (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۳۵۶-۰۳۴۲۰-۰۰۳۴۲۰-۲۹۱).

مصوبه ۱۴ ماده‌ای هیئت وزراء در باب تعلیمات اکابر، به مسائلی نظیر میزان تحصیلات، مفاد درسی شامل خواندن، نوشتن و حساب مختصر، حق‌الزحمه آموزگار، استخدام مستخدم، تهیه کتب درسی، سن حاضرین (۱۸ تا ۴۰ سال)، تعداد دانش‌آموزان (حداکثر ۴۰ تن) و ساعت حضور کارگران در کلاس می‌پرداخت. ساعات کلاس، شش شب در هفته و هر شب دو ساعت که هر سه شب به صورت متناوب برای یک دسته در نظر گرفته شده بود؛ به منظور رفاه حال کارگران و شاغلین ساعت حضور در کلاس شناور بود. به عبارت دیگر هر مدرسه باید تحصیل دو دسته شاگرد اکابری را در ساعات ۷ تا ۹ یا ۸ تا ۱۰ برعهده گیرد. کارگران می‌توانستند در یکی از دو ساعت مذکور با توجه به زمان کاری خویش در کلاس حضور به‌هم رسانند (اطلاعات، ۱۳۱۵، ش ۲۹۱۱: ص ۱؛ اطلاعات، ۱۳۱۵، ش ۲۹۱۲: ص ۱؛ اطلاعات، ۱۳۱۵، ش ۲۹۱۳: ۱). کارگران عمدتاً به دو گروه تقسیم می‌شدند: گروهی که کاملاً بیسواد بوده و معروف به کلاس «امی» بودند و از ابتدا شروع می‌کردند و گروهی که اطلاعات و سواد اندکی داشتند و از کلاس دوم مشغول به تحصیل می‌شدند (نظامنامه تعلیمات اکابر؛ مصوب ۱۶/۰۳/۱۳۱۵ هیأت وزیران و سازمان اسناد ملی ایران ۰۰۲۲-۰۱۵۰۷۱-۰۰۴۶؛ ۲۹۷-۰۱۵۰۷۱-۰۰۴۶؛ ۰۲۴۷-۰۲۴۶۳-۰۰۲۴۶۳-۲۹۱؛ ۰۲۵۱-۰۰۲۴۶۳-۰۰۲۶۳؛ ۲۹۱-۰۰۲۴۶۳-۰۰۳۳۰؛ ۲۹۱-۰۰۳۴۲۰-۰۰۳۳۰؛ ۰۳۰۲-۰۰۳۴۲۰-۰۰۳۴۲۰-۲۹۱).

دو ماه بعد از تأسیس قانون اکابر، دولت پهلوی اول «نظامنامه کارخانجات و موسسات صنعتی» را در ۱ مرداد ۱۳۱۵/۲۳ ژوئیه ۱۹۳۶ که مشتمل بر ۶۹ ماده بود به تصویب رساند. طبق فصل چهارم، ماده سی و چهارم این نظامنامه که از آن می‌توان به عنوان اولین قانون رسمی و مدون مرتبط با امور کارگران در ایران یاد کرد کارفرمایان مکلف به تسهیل شرایط تحصیل کارگران در مدارس اکابر شدند:

صاحب کار مکلف است به دستور وزارت معارف و به خرج آن وزارتخانه کلاس‌های مخصوصی برای درس خواندن مزدورانی که از هیجده سال کمتر دارند در کارخانه تهیه نموده و در روزهای تعطیل تا میزان چهار ساعت اطفال مزدور را وادار به تحصیل نموده و به همین میزان از مدت کار آنها بکاهد [و چنانکه وزارت معارف] محلی خارج از کارخانه برای تحصیل اختصاص دهد باید مزدوران فوق‌الذکر به آن محل

تبیین وضعیت سوادآموزی ... (حسین احمدزاده نودیجه و قباد منصوربخت) ۹

برای مدتی که معین می‌شود اعزام شوند» (سازمان اسناد ملی ایران: ۳۲۵۱۱ / ۲۴۰؛
(۲۴۰ / ۹۴۰۳۱)

کارفرمایان نه تنها می‌بایست در ساعات غیرکاری برای کارگران خود کلاس‌هایی دایر نمایند، بلکه موظف شده بودند چنانچه کارگران قادر به حضور در کلاس‌ها در ساعات پس از کار و شب نباشند برای آن‌ها در ساعات اداری کلاس‌هایی را تدارک ببینند. هزینه پرداخت شهریه کلاس‌ها نیز بر عهده کارفرمایان قرار داده شده بود (سازمان اسناد ملی ایران: ۳۷۲۹۲ / ۲۹۷). دولت نیز مأمورانی را استخدام کرده بود تا مرتب از آموزشگاه‌های اکابر بازدید به عمل آورند تا مبدا لیست ارائه شده از سوی کارفرمایان «صرفاً برای رفع تکلیف» بوده باشد (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۲۳-۰۲۴۶۳-۰۰۲۹۱).

براساس فرامین و نظامنامه فوق، وظیفه باسواد ساختن کارگران به وزارت معارف و اوقاف محول شد. این وزارتخانه موظف بود با کمک استانداری و اداره پیشه و هنر «کارگران را به تحصیل سواد ملزم نماید» و شهربانی نیز مأمور اجرای این طرح شده بود (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۰۴-۰۲۵۵۰۳-۰۲۹۷). براساس این توافق، کلیه کارخانه‌ها و بنگاه‌ها موظف بودند برای آموزش و باسوادسازی کارگران خود کلاس‌هایی را در محل کار دایر سازند یا «آن‌ها را به کلاس‌های اکابر شبانه برای تحصیل سواد معرفی نمایند». افزون بر این، آن‌ها می‌بایست اسامی کارگران و مزدوران معرفی شده به مدارس آموزش سالمندان (اکابر) را به اداره فرهنگ نیز ارسال کنند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۰۴-۰۲۵۵۰۳-۰۲۹۷؛
(۰۲۳۵-۰۲۴۶۳-۰۰۲۹۱؛ ۰۲۴۷-۰۲۴۶۳-۰۰۲۹۱)

وزارت معارف و اوقاف حتی برخی از کارخانجات و شرکت‌هایی نظیر شرکت ریسندهی و بافندگی توانا در اصفهان را که هنوز دایر نشده و در حال پی‌ریزی بود و یا کارخانه‌هایی را که به دلیل مرمت و بازسازی به حالت نیمه تعطیل در آمده بودند را طی حکمی از پیش موظف به باسوادسازی کارگران خود پس از تأسیس کارخانه و استخدام کارگران کرده بود (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۲۳۷-۰۲۴۶۳-۰۰۲۹۱؛ ۰۲۵۹-۰۲۴۶۳-۰۰۲۹۱؛
(۰۲۳۹-۰۲۴۶۳-۰۰۲۹۱). به همین دلیل، برخی از کارخانجات نظیر شرکت سهامی نختاب اصفهان از یک سو برای پرهیز از پیش‌آمدن مشکلات این چنینی و از سوی دیگر تشویق کارگران به سوادآموزی از بدو امر از استخدام کارگران بی‌سواد خودداری کردند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۸۷-۰۲۴۶۳-۰۰۲۹۱). در بخش کارمایی مندرج در روزنامه‌ها، برخی از

مراکز، استخدام کارگران را منوط به داشتن سواد کردند و عنوان احتیاج به کارگر باسواد اعم از مرد یا زن را در در آگهی خود قید کرده بودند (اطلاعات، ۱۳۱۴، ش ۲۷۰۶: ۷؛ اطلاعات، ۱۳۱۵، ش ۲۷۴۰؛ ۱؛ اطلاعات، ۱۳۱۵، ش ۲۷۴۲: ۱)

۴. وضعیت آموزش و باسوادسازی کارگران در دوران پهلوی اول

واکنش‌ها نسبت به آموزش و رشد سطح سواد کارگران متفاوت بود. براساس گزارش‌ها، بعضی از کارفرمایان نظیر شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی اصفهان در آغاز نسبت به تأسیس کلاس‌ها تعلل می‌ورزیدند؛ برخی دیگر از تهیه وسایل و امکانات لازم برای مدارس خودداری می‌کردند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۲۴-۰۰۲۴۶۳-۲۹۱؛ ۰۲۲۳-۰۰۲۴۶۳-۰۰۲۹۱-۰۰۲۴۶۳-۰۰۲۹۱؛ ۰۲۶۳-۰۰۲۴۶۳-۲۹۱؛ ۰۴۱۴-۰۰۳۴۲۰-۲۹۱؛ ۰۳۴۲-۰۰۳۴۲۰-۲۹۱). از سوی دیگر بعضی از صاحبان مشاغل، کارگران زیردست خویش را برای حضور در کلاس‌های اکابر تشویق می‌کردند که در این میان می‌توان به تلاش‌های صاحب حمام نادری و میهمان‌خانه تهران اشاره کرد (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۱۲-۰۱۵۰۷۱-۲۹۷؛ ۰۰۱۴-۰۱۵۰۷۱-۲۹۷؛ ۰۰۲۰-۰۱۵۰۷۱-۲۹۷).

برخی از کارفرمایان طرفدار آموزش، برای تشویق کارگران به سوادآموزی و تسهیل در امر آموزش درخواست حضور معلم در محل کار را صادر کرده بودند. آن‌ها طبق مصوبه دولت، اتاقی را به عنوان کلاس در محل کارخانه به کارگران اختصاص دادند و حقوق معلمان را از جیب خود می‌پرداختند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۲۸-۰۱۵۰۷۱-۲۹۷؛ ۱۱۸۱۹۲/۲۹۳)؛ به عنوان مثال برادران چیت‌ساز پس از تأسیس کارخانه روغن‌کشی و صابون‌پزی، در بدو امر محل مخصوصی را برای تشکیل کلاس اکابر در نظر گرفتند و وسایل تحصیل کارگران را مهیا ساختند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۶، ش ۳۱۰۴: ص ۴). در برخی از کارخانجات نظیر شرکت سهامی پنبه، پشم و پوست که امکان تأسیس آموزشگاه اکابر برای آن‌ها وجود نداشت قرار شده بود که در اوقات فراغت کارگران، به ویژه شب‌ها، متصدیان و افراد باسواد به افراد بی‌سوادی که در کارخانه مشغول به کار بودند خواندن و نوشتن بیاموزند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۲۲۵-۰۰۲۴۶۳-۲۹۱). تشویق به سوادآموزی کارگران تنها شامل فارسی زبانان نبود. به عنوان مثال کارگران شاغل در آرایشگاه‌ها که « که

به کلی بی‌سواد و حتی فارسی زبان هم نبودند» به انحاء مختلف تشویق به حضور در این کلاس‌ها شدند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۳۰-۰۱۵۰۷۱-۰۱۵۰۷۱-۰۰۴۶؛ ۲۹۷-۰۱۵۰۷۱-۰۰۴۶) کوتاهی و فرار از درس و آموزش کارگران صرفاً محدود به کارفرمایان نمی‌شد. کارگران خود نیز از درس و آموزش گریزان بودند. بر اساس گزارش‌های ارائه شده از سوی مأموران نظارت بر کلاس‌های اکابر، برخی از کارگران از حضور به موقع در کلاس به بهانه‌های مختلف خودداری می‌ورزیدند. مثلاً کارگران شرکت سهامی نختاب به بهانه معطل شدن در صف ناوایی همیشه در کلاس‌ها دیر حاضر می‌شدند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۳۱۸-۰۰۳۴۲۰-۰۰۳۴؛ ۲۹۱-۰۰۳۴۲۰-۰۰۳۴).

در بسیاری از موارد تعداد کارگران حاضر در کلاس از آماري که کارفرمایان به وزارت فرهنگ ارائه کرده بودند به مراتب کمتر بود. به عنوان مثال، در بازرسی صورت گرفته بر روند تحصیل کارگران ریسباف در مورخ ۳/ دی / ۱۳۱۵ درحالی که تعداد کارگران ثبت نامی در لیست حضور و غیاب ۳۹ نفر ذکر شده بود، تنها ۹ نفر حضور داشتند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۱۲۷-۰۰۲۴۶۳-۰۰۲۴۶۳؛ ۲۹۱-۰۰۲۴۶۳-۰۱۲۹). کارگران برخی از کارخانجات نظیر کارخانه ریسندگی رحیم‌زاده در اصفهان به بهانه نبود امکانات و وسایل رفاه و آسایش از حضور در کلاس‌ها طفره می‌رفتند؛ در حالی که کارفرمایان این موضوع را رد و این ادعا را تنها بهانه‌ای واهی از سوی کارگران برای فرار از کلاس‌های درس عنوان می‌کردند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۲۱-۰۰۲۴۶۳-۰۰۲۱). از دیگر مشکلات مطرح شده در این مدارس نبود کتاب کافی برای کارگران ذکر شده است (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۳۳۰-۰۰۳۴۲۰-۰۰۳۴۲۰).

افزون بر این، همیشه در روزهای اول سال تعداد کارگران متقاضی آموزش به دلیل آن که فقط به دنبال گرفتن مجوز مذکور بودند بسیار بالا ثبت شده است، اما پس از آن که کارگران پی می‌بردند که نمی‌توانند تنها با ثبت نام و حضور در جلسه اول مدرک مزبور را دریافت کنند از حضور در کلاس‌ها طفره می‌رفتند و تعداد آن‌ها افت می‌کرد و افرادی هم که در کلاس حضور به هم می‌رساندند تنها پس از سپری کردن چند دقیقه اول کلاس و حاضر خوردن در دفتر حضور و غیاب، فوراً کلاس درس را ترک می‌کردند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۲۲۳-۰۰۲۴۶۳-۰۰۲۲۳). برخی از کارگران نظیر کارگران ریسندگی برق اصفهان

نیز پس از گرفتن تعرفه مورد نیاز دیگر در کلاس‌ها حضور پیدا نمی‌کردند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۲۶۵-۰۰۲۴۶۳-۲۹۱).

به همین دلیل، وزارت فرهنگ که مسئول رسیدگی به آموزش و باسوادسازی کارگران بود از شهرداری می‌خواست که این کارگران خاطی را مورد بازجویی قرار دهند و ملزم به حضور در کلاس نمایند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۰۶-۰۱۵۰۷۱-۲۹۷). به تبع آن، شهرداری نیز سرپرست کارگران را برای بازپرسی در باب تخلف و کوتاهی کارگران از حضور در کلاس‌ها احضار و تعهدی مبنی بر وادار ساختن کارگران برای حضور در کلاس‌ها از آن‌ها دریافت می‌کرد (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۰۸-۰۱۵۰۷۱-۲۹۷؛ ۰۰۱۶-۰۱۵۰۷۱-۲۹۷).

کوتاهی کارگران از حضور در کلاس و خطر جریمه شدن کارفرمایان باعث سخت‌گیری بیشتر کارفرمایان شد. آن‌ها برای وادار ساختن کارگران به سوادآموزی به نظام تشویق و تنبیه متوسل شدند. از یک سو، کارفرمایان از طریق سخنرانی در باب «محسنات تحصیل»، اولویت استخدام کارگران دارای «ورقه تحصیلی اکابر» و افزایش حقوق در صدد تشویق کارگران برآمدند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۲۲-۰۰۲۴۶۳-۲۹۱). هیئت وزراء نیز در جلسه ۱۶ شهریور ۱۳۱۵/۷ سپتامبر ۱۹۳۶ تبصره‌ای به همین منظور تصویب کرد (تصویب‌نامه راجع به دارندگان گواهینامه مدارس اکابر دولتی؛ مصوب ۱۶/۰۶/۱۳۱۵) و جراید مقالاتی در باب ارزش و اهمیت ورقه اشتغال به تحصیل و گواهی‌نامه خاتمه تحصیل به چاپ رسانیدند (اطلاعات، ۱۳۱۵، ش ۲۹۰۷: ۱ و اطلاعات، ۱۳۱۵، ش ۲۹۰۸: ۱). از سوی دیگر، کارفرمایان، از ترس فرار کارگران از مدرسه و مورد توبیخ واقع شدن، هنگامی که کارگران از محل کار راهی مدرسه اکابر بودند همواره مأموری را برای نظارت و جلوگیری از فرار همراه آن‌ها می‌فرستادند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۲۶۵-۰۰۲۴۶۳-۲۹۱). برخی از کارفرمایان در صورت غیبت کارگران از کلاس‌های درس آن‌ها را اخراج می‌کردند تا به این طریق مانع از غیبت و فرار مجدد آن‌ها و سایر کارگران از کلاس‌های درس شوند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۲۴۴-۰۰۳۴۲۰-۲۹۱؛ ۰۰۲۳۵-۰۰۲۴۶۳-۲۹۱؛ ۰۰۴۶۲-۰۰۳۴۲۰-۲۹۱). برخی دیگر شرط پرداخت حقوق به کارگران خود را منوط به حضور به موقع در کلاس اعلام کرده بودند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۱۲-۰۰۳۴۲۰-۲۹۱). بعضی از کارخانه‌ها نظیر دخانیات حتی اعلام کرده بودند تا زمانی که کارگران‌شان

تبیین وضعیت سوادآموزی ... (حسین احمدزاده نودیجه و قباد منصوربخت) ۱۳

«تعرفه‌های تحصیلی» را ارائه ندهند به آن‌ها حقوقی پرداخت نخواهند کرد (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۲۵۳-۰۲۴۶۳-۰۲۹۱).

متصدیان نهضت سوادآموزی اکابر نیز برای فشار حداکثری بر کارگرانی که در امر سوادآموزی قصور می‌ورزیدند از طریق مکاتبه با نهادهای مدنی و وضع قانون، از آن‌ها خواستند کارگران خاطی را از برخی از خدمات مدنی و شهروندی محروم سازند. به طور نمونه، به بهداری، شهرداری و اداره آمار دستور داده شده بود از ارائه هرگونه خدماتی به کارگرانی که تعرفه تحصیلی نداشتند خودداری ورزند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۳۶-۰۰۳۴۲۰-۲۹۱). طبق قانون مصوب ۱۳۱۵/۰۶/۰۵ اداره کل ثبت کشور به دفاتر اسناد رسمی و دفاتر ازدواج و طلاق تهران و ولایات ابلاغ کرد ارایه خدمات و تسهیلات را منوط به داشتن گواهینامه سواد نمایند و در غیر این صورت بی‌سوادان را به کلاس‌های اکابر راهنمایی کنند (راهنمایی افراد بی‌سواد برای تحصیل خواندن و نوشتن در مدارس اکابر؛ مصوب ۱۳۱۵/۰۶/۰۵). برخی از این سازمان‌ها حتی به داشتن تعرفه نیز بسنده نکردند، آن‌ها خواهان برگه ضمیمه تعرفه نیز بودند که حضور و غیاب کارگران را در هر ماه به صورت تفکیک‌شده ذکر کرده باشد (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۱۱۲-۰۰۳۴۲۰-۲۹۱).

باوجود همه این تمهیدات شایان ذکر است: از آن‌جا که کارگران بعضاً از دهات و شهرهای کوچک برای کار به شهرهای بزرگ می‌آمدند و هنگام بازگشت از کار عمدتاً خسته بودند و یا آن‌ها برای بازدید خانواده خویش به شهرهای خود باز می‌گشتند و یا به دلیل احضار شدن به خدمت نظام اجباری، عمدتاً از حضور در کلاس‌های اکابر سر باز می‌زدند و یا مجبور به ترک تحصیل می‌شدند (سازمان اسناد ملی ایران: ۰۰۱۶-۰۱۵۰۷۱-۲۹۷؛ ۰۳۰۲-۰۰۳۴۲۰-۲۹۱؛ ۰۰۴۲-۰۰۳۴۲۰-۲۹۱).

۵. وضعیت سواد و آموزش کارگران در دهه ۲۰ شمسی

علیرغم تحت فشار قرار گرفتن کارفرمایان و صاحبان صنایع داخلی و خارجی توسط دولت برای پیشبرد آموزش کارگران، شواهد و قرائن حاکی از آن است که تا سال‌ها پس از سقوط رضاشاه وضعیت سواد در میان کارگران چندان رضایت‌بخش نبوده است. اکثریت عظیم کارگران و دهقانان به علت فقدان وسایل آموزشی سواد خواندن و نوشتن نداشتند؛ طبقه

ممتاز نیز نه تنها به این موضوع واقعی نمی‌نهاد «بلکه عمدتاً از تحصیل نمودن طبقه چهارم خودداری می‌کردند» و حتی سعی می‌کردند تا کارگران را در جهل و بی‌سوادی کامل نگه‌دارند؛ چراکه سواد و آگاهی کارگران معادل با پایان دوره سروری و ریاست طبقات بالای جامعه بود (دنیای کار، ۱۳۲۷، ش ۱: ۱).

بنابرایدعای برخی از شاهدان معاصر، ۹۰٪ از کارگران در این دوره بی‌سواد بودند (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۲ و ۳: ۶). چنانکه ذکر شده هم‌زمان با تأسیس وزارت کار در سال ۱۳۲۸ش / ۱۹۴۹م «تعداد بی‌سوادان کارخانه‌ها به طرز اسف‌آوری زیاد بوده است»؛ بنابر آمار موجود، از ۳۹۹ نفر کارگر مشغول به کار در کارخانه ریسمان‌ریسی و پارچه‌بافی تهران ۳۵۵ نفر بی‌سواد بودند؛ از ۱۳۸ نفر کارگر کارخانه کبریت‌سازی فرشته تنها ۱۷ نفر سواد جزئی داشتند؛ از ۵۸ کارگر کارخانه بلور سازی ۵۵ تن بی‌سواد بودند؛ و از ۱۲۰ کارگر انبار قند و شکر ۱۰۹ نفر کاملاً بی‌سواد بودند (کار، ۱۳۲۸، ش ۳۰ و ۳۱: ۱۶). ۵۰٪ از کارگران شرکت دخانیات که جزو قدیمی‌ترین کارخانه‌های تأسیس شده در ایران بود بی‌سواد بودند (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۱۶ و ۱۷: ص ۱۲). گفته شده است $\frac{2}{3}$ کارگران کارخانه سیمان در این دوره کاملاً بی‌سواد بودند و حتی سواد خواندن و نوشتن نداشتند (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۱۸، ۱۹ و ۲۰: ۱۹). در کارخانه چیت‌سازی بهشهر نیز با ۲۵۰۴ کارگر تنها یک دبستان برای کارگران وجود داشت (کار، س ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۲۱ و ۲۲: ۱۵).

فقدان قانون جامع آموزش کارگران و دیر تصویب شدن آن یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌سوادی این طبقه بود. خلاء قانون در این زمینه دست کارفرمایان را باز می‌گذاشت تا از انجام تعهدات خود شانه خالی کنند و سطح سواد کارگران پایین باشد. اگرچه در نخستین قانون کار مصوب ۱۳۲۳ و سپس ۱۳۲۵ ش به جنبه‌های مختلف حقوق کارگری پرداخته شده بود ولی به مسئله آموزش کارگران در این قوانین هیچ اشاره‌ای نشده بود (سازمان اسناد ملی: ۲۴۰ / ۰۱۴۶۱۸؛ ۵۸۵۸۱ / ۲۹۳).

همین نقیصه در قانون کار باعث می‌شد به عنوان مثال شرکت نفت به عنوان بزرگترین کارفرما در ایران - علیرغم تعهداتی که به دولت داده بود- به خود اجازه دهد هیچ گونه اقدام چشمگیری برای تأسیس کلاس‌های درس و ارتقای سطح دانش کارگران خود انجام ندهد. اگرچه مجله عصر جدید، ارگان وابسته به شرکت نفت، در سال ۱۳۲۵ ش / ۱۹۴۶م مدعی شده بود که ۴۳۲۵ نفر در کلاس‌های ریاضی، فنی و تجارت این شرکت مشغول به

تبیین وضعیت سوادآموزی ... (حسین احمدزاده نودیجه و قباد منصوربخت) ۱۵

تحصیل هستند ولی نجفی رهبر اتحادیه کارگران ضمن جعلی خواندن این آمار مدعی شد که «هیچ کلاسی برای تدریس بی سوادان در آبادان نیست» و تنها تعداد اندکی از کارگران در کلاس‌های درس حضور دارند و صرفاً معلومات فنی ابتدایی را در دوره کوتاهی می‌آموزند» (رهبر، ۱۳۲۵، ش ۸۵۵: ۳).

گزارش نمایندگان اداره بین‌المللی کار نیز در جریان بازدید از صنایع نفتی ایران (۱۳۲۹ه.ش / ۱۹۵۰م)، نیز مهر تأییدی بر اظهارات نجفی است. اگرچه شرکت نفت تلاش-هایی را به منظور ارتقای سطح سواد کارگران انجام داده بود ولی از نظر کارشناسان مزبور «یافتن کارگران آموخته در ایران کار بسیار مشکلی بود» و نه تنها دولت، بلکه شرکت نفت نیز که طبق قرارداد ۱۳۱۳ه.ش / ۱۹۳۳م موظف به تعلیم و آموزش حرفه‌ای کارگران بود در این زمینه کوتاهی می‌کرد (وزارت امور خارجه: ۱۲-۳۸-۳۸-۰۱-۱۳۲۹؛ ۱۵-۳۸-۳۸-۰۱-۱۳۲۹-۰۱-۱۳۲۹؛ ۱۶-۳۸-۳۸-۰۱-۱۳۲۹).

پس از تهاجم متفقین به ایران در سال ۱۳۲۰ش / ۱۹۴۱م، باز شدن فضای سیاسی کشور و تفوق احزاب چپ‌گرا (۱۳۲۱-۱۳۲۷ه.ش) به ویژه حزب توده، این احزاب که در پی ارتقای سطح دانش و آگاهی سیاسی کارگران بودند در صدد آموزش و گسترش سواد در میان کارگران برآمدند.

از نظر ارگان‌های وابسته به حزب توده، امپریالیسم عامل اصلی جهل و بی‌سوادی کارگران و دهقانان در ایران محسوب می‌شد و همواره در تلاش بود تا آن‌ها را از «نعمت سواد و تحصیل که موجب بیداری افکار و رهایی از یوغ بندگی است» محروم کند؛ به همین علت، از کارگران خواسته شده علیرغم خستگی ناشی از کار، فقدان وسایل زندگی و آسایش به طور جدی «از کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی» استقبال کنند (ظفر، ۱۳۲۵، ش ۳۷۸: ۴). چرا که برخی از کارگران بعد از ساعات کاری به دلیل خستگی اصلاً تمایلی به حضور سر کلاس‌های درس نداشتند (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۱۸، ۱۹ و ۲۰: ۲۰).

روزنامه رهبر به عنوان ارگان رسمی این حزب با سواد ساختن کارگران را در قسمت فوقانی روزنامه جزو شعارهای اصلی خویش قرار داد: «کار برای بیکاران، نان برای گرسنگان و فرهنگ برای بی سوادان». علاوه بر این، در این دوره، حزب توده ایران کمیسونی به نام " کمیسیون مبارزه با بیسوادی " را به منظور «تشکیل کلاس‌های اکابر برای باسواد نمودن کارگران و بیسوادان» تأسیس کرد و توانست از طریق رایزنی با وزارت

فرهنگ، مساعدت و همراهی این وزارتخانه را نیز کسب کند. به همین منظور، وزارت فرهنگ به تمام اداره‌های تابعه خود در شهرستان‌ها دستور داد کلاس‌ها و سایر وسایل مورد نیاز را برای مبارزه با بی‌سوادی کارگران در اختیار " کمیسیون مبارزه با بیسوادی حزب توده " قرار دهد و نماینده‌ای از طرف این اداره شخصاً برای نظارت بر حسن جریان امور در محل حاضر شود (رهبر، ۱۳۲۵، ش ۷۰۹: ۱).

در وزارت فرهنگ، اداره‌ای نیز به نام «اداره آموزش کارگران» دایر شد که وظیفه آن فراهم کردن «وسایل باسواد کردن کارگران بیسواد» بود. این اداره به منظور محقق ساختن وظایف خویش، ابتدا کلاس‌هایی را در داخل کارخانه‌های مرکزی ایجاد کرد و سپس امکان کارآموزی در کارخانه‌ها را مهیا ساخت تا کارگران کارخانه‌ها را به امور فنی و تخصصی نیز آشنا سازد (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۱: ۱۰). این اداره قصد داشت نه تنها در تهران و کارخانه‌های بزرگ بلکه در تمام شهرستان‌ها و کارگاه‌های کوچک نیز کلاس‌های آموزشی دایر نماید تا «حتی یک نفر هم به هیچ عنوان و عذری نتواند از این کلاس‌ها غیبت نماید» (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۱۳، ۱۴ و ۱۵: ۱۶).

برنامه وزارت فرهنگ برای باسواد ساختن کارگران را در کل به دو بخش می‌توان تقسیم کرد: ۱- برنامه باسواد کردن کارگران بی‌سواد ۲- برنامه تربیت کارگران متخصص. این وزارتخانه برای رسیدن به اهداف مذکور اولاً: از تمام کارفرمایان درخواست کرد که «در اجرای این منظور با وزارت کار و تبلیغات تشریک مساعی نموده و مساعدت لازم را بنمایند»؛ ثانیاً: از عموم کارگران تقاضا شده که در این زمینه کوشا باشند چرا که نفع آن صد در صد متوجه خود آن‌ها خواهد شد و مهم‌تر از همه این که «رفع گرفتاری‌های آن‌ها فقط با حربه علم و دانش میسر خواهد بود»؛ ثالثاً: به تمام مسئولین اتحادیه‌ها و احزاب توصیه اکید شده بود که «در عملی نمودن این نیت مقدس منتهای کوشش را نموده» و به خاطر کشور، آزادی و تأمین منافع حقیقی، موضوع آموزش کارگران را نباید با مسایل سیاسی درهم آمیخت (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۱: ۲۱). به همین منظور از کلیه جوانان روشنفکر و میهن‌پرست این مرز و بوم دعوت شده بود تا برای محقق ساختن «این امر مقدس دست اتحاد به هم داده و صمیمانه» کوشش نمایند تا از طریق باسواد ساختن کارگران «این دوی تمام دردهای اجتماعی» را درمان نمایند (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۱۳، ۱۴ و ۱۵: ۱۶).

اداره آموزش کار همچنین در برخی از کارخانجات، کلاس‌هایی را تأسیس کرد و افرادی را از بین کارگران باسواد انتخاب و آن‌ها را مسئول تدریس کارگران بی‌سواد ساخت. این اداره برای اینکه خللی در کار کارخانه و آموزش کارگران پیش نیاید کارگران را به دو دسته تقسیم کرد که هر قسمت به طور متوسط هفته‌ای سه روز مشغول تحصیل بودند (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۱۶ و ۱۷: ۲۴). در شهرهای بزرگی مثل تهران، مدارس و کلاس‌هایی در نقاط مختلف شهر به منظور مبارزه با بی‌سوادی دایر شد. کمیسیون مبارزه با بی‌سوادی از مردم می‌خواست تا افراد بی‌سواد را به این مدارس که در ۲۵ نقطه شهر وجود داشت هدایت کنند (ظفر، ۱۳۲۵، ش ۳۷۸: ۲؛ ظفر، ۱۳۲۵، ش ۳۷۹: ۲).

طرفداران آموزش کارگران تنها به سواد ابتدایی بسنده نکردند. آن‌ها معتقد بودند علاوه بر آموزش پایه باید حقوق اجتماعی نیز به کارگران آموزش داده شود. از همین رو، به منظور مبارزه با بی‌سوادی از مدیران کارخانجات درخواست شد تا کلاس‌هایی را در محل کار پیش‌بینی کنند؛ قرائت خانه‌هایی برای آگاهی از مطالب روز جراید و خواندن کتاب‌های مفید و اخلاقی در کارخانه دایر کنند و راجع به حقوق اجتماعی سخنرانی‌های مفیدی برگزار نمایند (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۲ و ۳: ۶). جراید وابسته به احزاب چپ، به باسوادها توصیه می‌کردند که سعی کنند به منظور ارتقای سطح آگاهی کارگران برای آن‌ها روزنامه بخوانند یا آن‌که کارگران روزنامه‌ها را شب‌ها به منزل برده و به یکی از افراد باسواد که در خانه و همسایگی آن‌ها قرار داشتند بدهند و از وی بخواهند تا روزنامه را برای او بخواند (ظفر، ۱۳۲۵، ش ۲۷۰: ۲).

علاوه بر این، برخی از فعالان حوزه کارگری نظیر محمد پروین در نطق‌های خویش همواره بر لزوم «تشکیل کلاس‌های صنعتی و تکنیکی» تأکید می‌ورزیدند (ظفر، ۱۳۲۵، ش ۳۸۶: ۲) و جراید از طرف کارگران "قطعه‌نامه"هایی را صادر می‌کردند که در آن به درج مطالبات کارگری از جمله درخواست تأسیس مدرسه برای کارگران بی‌سواد اشاره شده است (ظفر، ۱۳۲۴، ش ۲۰۰: ۲؛ ظفر، ۱۳۲۴، ش ۲۰۵: ۱؛ ظفر، ۱۳۲۵، ش ۲۳۲: ۲؛ ظفر، ۱۳۲۵، ش ۲۵۴: ۱؛ ظفر، ۱۳۲۵، ش ۲۹۹: ۱؛ رهبر، ۱۳۲۵، ش ۷۴۹: ۲؛ رهبر، ۱۳۲۵، ش ۷۵۹: ۴). در این دهه، همچنین سرمقاله‌هایی با عناوین مختلفی نظیر «برعلیه بی‌سوادی و جهل مبارزه کنید» توسط روزنامه‌ها چاپ می‌شد (ظفر، ۱۳۲۵، ش ۳۷۸: ۱) و برخورداری از تعلیم رایگان جزو اساسنامه اتحادیه‌های کارگری گردید (رهبر، ۱۳۲۶، ش ۲۶: ۳).

در حدها فصل دهه ۲۰-۳۰ ش، پس از آن که تلاش‌های احزاب و فعالان کارگری در ایران، منجر به خلق مفهوم نوینی از کارگر در ایران گردید نگاه به آموزش کارگران نیز تغییر کرد (احمدزاده، ۱۳۹۸). بر اساس این تعریف جدید از کارگر، در زمینه آموزش، یک کارگر خوب کارگری بود «که با سواد باشد و بقدر خود چیز بفهمد»؛ کارگر بی سواد باعث زحمت خود و دیگران می شد؛ کارگر هر چه باسوادتر باشد، امکان تحقق عدالت اجتماعی برای این طبقه بیشتر می شد چرا که سواد «در اعداد بهترین وسیله رفاه بشریست و عدل و داد اجتماعی امروز چنین اقتضا دارد که سواد برای همه باشد» (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۱: ۶).

افزون بر این، طبقه بندی جدیدی از کارگران بر اساس مصوبه هیئت وزیران در آبان ۱۳۲۵ ش صورت گرفت که از طرف شورای کارگاه برای تصویب به شورایی عالی کار ارسال شده بود؛ بر اساس این مصوبه، کارگران بر مبنای آموزش‌های ابتدایی و فنی که می دیدند به درجه یک، دو و سه تقسیم شدند. لازمه نیل به مرتبه سرانجامی، سواد در حدود شش کلاس ابتدایی، هفت سال سابقه خدمت با دارا بودن گواهی نامه هنرستان و لااقل یک سال سابقه کار بود (ظفر، ۱۳۲۵، ش ۳۹۳: ۲).

بر اساس مصوبه فوق، دستمزد کارگران آموزش دیده بعضاً تا ۷۰ درصد بیشتر از کارگران ساده بی سواد ذکر شده و در صورت رسیدن به مرحله استادکاری حقوقش به دو برابر حداقل دستمزد یک کارگر ساده می رسید. برای رسیدن به مرحله استاد کاری «سواد در حدود شش کلاس ابتدایی و هفت سال سابقه خدمت و دارا بودن گواهینامه هنرستان و لااقل یک سال سابقه عمل لازم بود». بر اساس این مصوبه و به منظور تشویق کارگران بی سواد به سوادآموزی مقرر شده بود «به کارگران بی سواد که از تاریخ تصویب این آئین نامه تا یک سال مشغول تحصیل شوند، پس از ارایه گواهینامه توانایی خواندن و نوشتن، اضافه دستمزدی به میزان پنج درصد پرداخت خواهد شد» (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۲ و ۳: ۲۵ و ۲۶).

۶. تدوین نخستین قانون مدون آموزش کارگران در ایران

سرانجام از یک سو به دلیل نیاز گسترده به تعلیم و سوادآموزی کارگران و از سوی دیگر فشار احزاب چپ‌گرا بر دولت‌های روی کار آمده، اداره کار و تبلیغات آئین نامه‌ای را در دو

تبیین وضعیت سوادآموزی ... (حسین احمدزاده نودیجه و قباد منصوربخت) ۱۹

فصل و ۲۰ ماده «به منظور باسواد کردن و تقویت قوای بدنی و تربیت اخلاقی و همچنین تعلیمات فنی کارگران» تقدیم دولت کرد و هیئت وزرا در جلسه ۲۲ تیرماه ۱۳۲۶ آن را تصویب کرد:

موضوع	بند	فصل
<p>اختصاص محلی مناسب به همراه امکانات لازم در کارگاه به منظور باسوادسازی کارگران از سوی کارفرما.</p> <p>کسر از حقوق کارگران به ازای هر ساعت غیبت غیرموجه.</p> <p>انتخاب معلمان در درجه اول از میان «کارمندان صلاحیت‌دار کارگاه» و در درجه بعد «از میان کسان دیگری که صلاحیت آنها کافی شناخته شود».</p> <p>تعیین حقوق معلمان از طرف وزارت کار و تبلیغات و پرداخت آن توسط کارفرمایان.</p> <p>تعیین چهار سال برای تحصیلات ابتدایی و اعطای مدرک.</p> <p>افزایش حقوق و اولویت استخدام در صورت موفقیت در امتحان (تصویب‌نامه هیئت وزیران راجع به آئین‌نامه‌های آموزش و پرورش کارگران؛ مصوب ۱۳۲۶/۰۴/۲۲؛ سازمان اسناد ملی ایران ۱۰۱۳۵۰/۱۰۱۳۵۰/۲۴۰).</p>	۸-۱	اول
<p>بسنده نکردن به آموزش ابتدایی و گنجاندن آموزش‌های فنی.</p> <p>تهیه کتاب و سایر ملزومات از سوی آموزش و پرورش.</p> <p>اعطای گواهینامه و حق قدم در استخدام.</p> <p>تعیین میزان تعلیمات فنی و انتخاب معلمان (سازمان اسناد ملی ایران: ۱۰۱۳۵۰/۱۰۱۳۵۰/۲۴۰).</p> <p>آموزش و تقویت قوای جسمانی و اختصاص زمین ورزشی و سایر ملزومات (تصویب‌نامه هیئت وزیران راجع به آئین‌نامه‌های آموزش و پرورش کارگران؛ مصوب ۱۳۲۶/۰۴/۲۲؛ سازمان اسناد ملی ایران: ۱۰۱۳۵۰/۱۰۱۳۵۰/۲۴۰؛ کار، ۱۳۲۸، ش ۳۰ و ۳۱: ۱۸ و ۱۹)</p>	۲۰-۹	دوم

اولین کلاس رسمی در پی تصویب قانون آموزش کارگران در تاریخ ۱۵/۰۹/۱۳۲۶، در معدن ذغال سنگ چشمه گل با حضور ۳۰ نفر از کارگران تأسیس شد. به تدریج دامنه تأسیس این کلاس‌ها گسترش یافت. کلاس‌های آموزش کارگران تنها شامل مردان نمی‌شد، در بعضی مناطق کلاس‌هایی نیز برای زنان کارگر مشغول به کار در کارخانجات دایر شد (کار، ۱۳۲۸، ش ۳۴ و ۳۵: ۱۹).

علاوه بر تصویب آئین‌نامه آموزش و پرورش کارگران، اداره‌ای به نام « اداره هدایت افکار کارگران» نیز در اداره کار تأسیس شد که وظیفه آن چنانکه از نامش هویداست «تنویر افکار کارگران» بود. این اداره از طریق برنامه‌های رادیویی، خواندن کتب و مقالات مفید، برگزاری جلسات سخنرانی و انتشار مجله که به تفسیر قوانین و حقوق کارگری به زبان ساده می‌پرداخت به افزایش آگاهی کارگران در ایران کمک می‌کرد. از آن‌جا که ممکن بود

کارگران به لحاظ مالی توانایی خرید رادیو را نداشته باشند، کارفرمایان ملزم به تهیه رادیو در کارخانه برای پخش برنامه در ساعات کاری یا فراغت کارگران شده بودند (کار، ۱۳۲۵-۱۳۲۸، ش ۱۸، ۱۹ و ۲۰: ۳۲ و ۳۳).

قانون آموزش کارگران مصوب سال ۱۳۲۶ش/ ۱۹۴۷م نخستین بار در سال ۱۳۳۱ش/ ۱۹۵۲م ضمن اعمال جرح و تعدیل‌های اندکی مورد بازبینی قرار گرفت. اگرچه در کلیت برنامه مذکور تغییرات چندانی صورت نگرفت، اما بندهای دیگری به منظور سهولت امر آموزش و جلوگیری از طفره رفتن کارگران و کارفرمایان در امر آموزش به آن افزوده، مورد تجدید نظر، تکمیل و بعضاً حذف گردید. (سازمان اسناد ملی ایران: ۱۹۷۹/۰۸/۲۴۰). کمی بعد آئین‌نامه سال ۱۳۳۱ش/ ۱۹۵۲م نیز مورد تجدید نظر قرار گرفت و مصوبات و بندهای جدیدی به آن افزوده و پایه و مبنایی برای آموزش کارگران در ایران گردید:

ماده	موضوع
۱	تشکیل کلاس مشترک در شهرستان‌ها از طریق همکاری کارفرمایان و اداره آموزش وزارت کار.
۲	اختصاص قسمت‌های فنی مجزا در مدارس و رعایت مسائل بهداشتی.
۳	تناسب میان فضای کلاس و تعداد شرکت کنندگان (بیش از ۵۰ نفر).
۴	معرفی آموزگاران از سوی کارفرمایان. داشتن حداقل ۳۰ سال، متأهل بودن معلمان و اتمام دوره سه ساله دبیرستان.
۵	پرداختن حق‌الزحمه معلمان از سوی کارفرمایان و کسب رضایت آموزگار.
۶	ارایه لیست حضور و غیاب و پیشرفت تحصیلی به به اداره "آموزش وزارت کار" و "تعلیمات اکابر وزارت فرهنگ" در تهران و به اداره‌های "کار و فرهنگ" محل در شهرستان‌ها و دریافت گواهی انجام خدمت.
۷	پرداخت حقوق آموزگاران از سوی کارفرما طبق ماده ۶.
۸	برکناری آموزگاران در صورت اهمال و یا تبلیغات سیاسی و جایگزینی معلم خاطی از سوی کارفرما.
۹	دوره آموزش کارگران ۴ سال ابتدایی تعیین شد.
۱۰	آموزش در ساعات غیرکاری نباید کمتر از سه ساعت متناوب در هفته باشد.
۱۱	ارایه کارنامه در پایان هر سال تحصیلی. شرکت در امتحان نهایی سال چهارم منوط به ارایه کارنامه سه سال تحصیلی فوق.
۱۲	اعطای گواهینامه به کارگران در صورت قبولی.
۱۳	تعیین شرایط و ضوابط برگزاری امتحان نهایی از سوی وزارت کار پانزده روز قبل از امتحان.
۱۴	اضافه دستمزد ۵٪ و اعمال از سوی کارفرما در صورت اخذ گواهینامه.
۱۵	حضور اجباری کارگران در کلاس‌های سوادآموزی. کسر از حقوق کارگران مرد در صورت غیبت غیرموجه.

۱۶	تامین اعتبار کلاس، حقوق و سایر هزینه های مرتبط از سوی کارفرما.
۱۷	جریمه کارفرمایان در صورت قصور از اجرای مفاد قانون آموزش.
۱۸	امکان بازدید و ارایه مشاوره از سوی اداره تعلیمات اکابر در مرکز و فرهنگ در شهرستانها برای بهبود آموزش.
۱۹	نظارت بر اجرای قانون آموزش از سوی اداره آموزش وزارت کار و اداره کار شهرستانها (آئین نامه آموزش کارگران؛ مصوب ۱۳۳۲ سازمان اسناد ملی ایران: ۱۰۱۱۹۴/۲۴۰).

۷. نتیجه گیری

انقلاب صنعتی با تغییر مبانی ابزاری، فنی و علمی تولید، آموزش کارگران را در تمام دنیا به ضرورتی اجتناب ناپذیر مبدل ساخت. علیرغم این امر، تا پیش از تأسیس سلسله پهلوی و اتخاذ سیاست نوسازی صنعتی در کشور و تأسیس کارخانجات، در راستای آموزش کارگران ایرانی جز چند اقدام محدود و جسته و گریخته، عمل خاصی صورت نگرفت. اجتناب ناپذیر بودن آموزش کارگران از یک سو، افزایش و گسترش فعالیت های احزاب چپ گرا در میان طبقه در حال ظهور کارگر صنعتی و جذب آنان از سوی دیگر و همچنین فشار مجامع و نهادهای بین المللی، دولت را وادار ساخت در تاریخ ۱۳۱۵/۰۵/۰۱ طبق ماده سی و چهارم از فصل چهارم « نظامنامه کارخانجات و موسسات صنعتی » کارفرمایان را به تسهیل شرایط تحصیل کارگران در مدارس اکابر مکلف نماید. اما در عمل، نقایص و کاستی های قانون فوق، کمبود امکانات آموزشی و عدم بسترسازی لازم و قانون گریزی و بهانه تراشی کارفرمایان در امر آموزش کارگران (علیرغم افزایش منافع آنان در دراز مدت) به نتیجه مطلوب منتهی نشد.

با سقوط رضا شاه و اشغال کشور توسط متفقین فضای سیاسی کشور کاملاً تغییر کرد. در فضای سیاسی نسبتاً باز به وجود آمده، فعالیت احزاب و گروه های چپ گرا شدت یافت. صدور اعلامیه، چاپ سخنرانی ها در جراید، برگزاری تجمعات، تبلیغات در محیط های کارگری و دستیابی به پایگاه های مردمی، موجب شد تا فشار قابل توجهی بر دولت و مجلس وارد و سرانجام قانون آموزش کارگران تصویب شود. در پی این اقدامات، اداره کار و تبلیغات به عنوان متولی امور کارگری، آیین نامه ای را در دو فصل و بیست ماده تقدیم دولت کرد و هیئت دولت در ۱۳۲۶/۰۴/۲۲ آن را به تصویب رساند. این مصوبه به علت شتابزدگی در تهیه، کاستی های فراوانی داشت و به ناچار در ۱۳۳۲ مورد بازنگری قرار گرفت. قانون اخیر، پایه و اساس قانون جامع آموزش کارگران در ایران شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی، اصول دموکراسی، ص ۴۶؛ تنقید فرقه اعتدالیون یا اجتماعيون- عاميون، ص ۶۹ و ۸۰ و ۸۵؛ دستور مسلکی با مرامنامه فرقه اجتماعيون و اعتدالیون ۸۹ و ۱۱۰ و ۱۲۰؛ مرامنامه فرقه ترقی و تمدن یا خیال خام برای فریب عوام، ص ۱۲۵ و ۱۲۶؛ اعلام مرامنامه جمعیت اتفاق و ترقی، ص ۱۳۴؛ مرامنامه اجتماعيون اتحاديون ایران (سوسیالیست اونیفیه)، ص ۱۶۴؛ مرامنامه فرقه اصلاحيون و عاميون، ص ۱۷۳؛ پروگرام فرقه دانشناکسوتيون ارامنه، ص ۱۸۸؛ نظریات امروزی سوسیال دموکرات‌های ایران برای مملکت ایران، ص ۲۲۹ و ۲۳۰؛ اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران جلد اول، ص ۱۱۸؛ اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران جلد اول، ص ۸۶ مرامنامه جنگلیها.

۲. مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی، تنقید فرقه اعتدالیون یا اجتماعيون- عاميون، ص ۸۳ و ۸۴؛ رسول زاده می گوید: «ما در ایران پرولیتاری که عده متنابعی باشد هم نداریم، زیرا در ایران اصول سرمایه‌داری نیست»؛ اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران جلد اول، ص ۱۱۳ و ۱۱۷ به عنوان مثال اردشیر آوانسیان در خاطرات خود از فعالیت‌های حزب کمونیست در سال ۱۳۰۵ و ۱۳۰۷ در خراسان که یکی از شهرهای بزرگ ایران بود می‌گوید «در آن زمان خراسان فاقد کارخانه و کارگر صنعتی بود».

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ یازدهم، تهران: نی.
- اتحادیه، منصوره (بی‌تا)، مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- احمدزاده نودیجه، حسین (۱۳۹۸)، تاریخ ظهور و تحول مفهوم جدید کارگر در ایران معاصر: ۱۳۳۲-۱۲۸۵ ش، پایان نامه دکتری، تهران: گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی.
- احمدزاده نودیجه، حسین و قباد منصوربخت (۱۳۹۸)، «اداره بی نالملی کار و نخستین قانون کار در ایران»، گنجینه اسناد، س ۲۹، ش ۴.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۹۵)، سیاست‌نامه‌های قاجاری: رسایل سیاسی، ۴ ج، تهران: نگارستان اندیشه.

۲۴ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

- اطلاعات (۱۳۱۴)، «فتوراد کارگر لازم دارد»، ش ۲۷۰۶.
- اطلاعات (۱۳۱۴)، «صنایع در ایران نو»، ش ۲۵۹۴.
- اطلاعات (۱۳۱۵)، «۱۵ نفر کارگر زن و دختر لازم است»، ش ۲۷۴۰.
- اطلاعات (۱۳۱۵)، «۱۵ نفر کارگر زن و دختر لازم است»، ش ۲۷۴۲.
- اطلاعات (۱۳۱۵)، «در آتیه ورقه اشتغال به تحصیل و گواهی نامه خاتمه تحصیل برای مردان بزرگ قیمت خواهد داشت»، ش ۲۹۰۷.
- اطلاعات (۱۳۱۵)، «گواهی نامه کلاس های اکابر در زندگی مردان بزرگی که بیسواد بوده اند تاثیر زیاد دارد»، ش ۲۹۰۸.
- اطلاعات (۱۳۱۵)، «سن محصلین»، ش ۲۹۱۱.
- اطلاعات (۱۳۱۵)، «دسته جوانان»، ش ۲۹۱۲.
- اطلاعات (۱۳۱۵)، «جلسات درس در چه ساعتی تشکیل خواهد شد»، ش ۲۹۱۳.
- اطلاعات (۱۳۱۶)، «در کارخانه روغن کشی و صابون پزی برادران چیت ساز در بابل»، ش ۳۱۰۴.
- دنیای کار (۱۳۲۷)، «نظری به اوضاع کشور»، ش ۱.
- رهبر (۱۳۲۵)، «قرارداد بین کارگر و کارفرما» ش ۷۴۹.
- رهبر (۱۳۲۵)، «قطعه نامه کارگران گونی بافی رشت»، ش ۷۵۹.
- رهبر (۱۳۲۵)، «باز هم در جنوب ایران»، ش ۸۵۵.
- رهبر (۱۳۲۵)، «نامه وزارت فرهنگ درباره مبارزه با بیسوادی»، ش ۷۰۹.
- رهبر (۱۳۲۶)، «اساسنامه اتحادیه کارگران ایران»، ش ۲۶.
- صوراسرافیل (۱۳۲۶ ق)، «نقل از روزنامه شریفه ارشاد»، ش ۲۸.
- ظفر (۱۳۲۴)، «قطعه نامه»، ش ۲۰۰.
- ظفر (۱۳۲۴)، «تقاضای کارگران کرینات دود سود»، ش ۲۰۵.
- ظفر (۱۳۲۵)، «درس اقتصاد و معلومات تشکیلاتی برای کارگران»، ش ۳۸۶.
- ظفر (۱۳۲۵)، «آئین نامه حداقل دستمزد»، ش ۳۹۳.
- ظفر (۱۳۲۵)، «قطعه نامه کارگران گرمسار»، ش ۲۳۲.
- ظفر (۱۳۲۵)، «گزارش کار آقای صادقان عضو هیئت عامله شورای مرکزی بشورای متحده مرکزی حل اختلاف کارگران»، ش ۲۵۴.
- ظفر (۱۳۲۵)، «قطعه نامه کارگران گونی بافی رشت»، ش ۲۹۹.
- ظفر (۱۳۲۵)، «رفقای کارگر بر علیه بی سوادی و جهل مبارزه کنید»، ش ۳۷۸.

تبیین وضعیت سوادآموزی ... (حسین احمدزاده نودیجه و قباد منصوربخت) ۲۵

- ظفر (۱۳۲۵)، «درس اقتصاد و معلومات تشکیلاتی برای کارگران»، ۳۷۹.
- ظفر (۱۳۲۵)، «رفقای کارگر ما به دقت بخوانند»، ش ۲۷۰.
- کار (۱۳۰۲)، «قابل توجه اولیای امور»، ش ۴۵.
- کار (۱۳۲۵-۱۳۲۸)، «موجبات تصویب قانون کار و تشکیل وزارت کار»، ش ۱.
- کار (۱۳۲۵-۱۳۲۸)، «جوانان ایران با کارگران کمک کنید»، ش ۱۳، ۱۴ و ۱۵.
- کار (۱۳۲۵-۱۳۲۸)، «نظری به کارخانه دخانیات»، ش ۱۶ و ۱۷.
- کار (۱۳۲۵-۱۳۲۸)، «کارخانه سیمان از نظر کار و کارگری»، ش ۱۸، ۱۹ و ۲۰.
- کار (۱۳۲۵-۱۳۲۸)، «تفریحات کارگران»، ش ۲ و ۳.
- کار (۱۳۲۵-۱۳۲۸)، «تاسیس وزارت کار برای استقرار عدالت اجتماعی»، ش ۱.
- کار (۱۳۲۵-۱۳۲۸)، «آموزش کارمندان و کارگران»، ش ۱.
- کار (۱۳۲۵-۱۳۲۸)، «صنایع عمده کشور»، ش ۱۶ و ۱۷.
- کار (۱۳۲۵-۱۳۲۸)، «کارخانه سیمان از نظر کار و کارگری»، ش ۱۸، ۱۹ و ۲۰.
- کار (۱۳۲۵-۱۳۲۸)، «تصویب نامه هیئت وزیران، وزارت کار و تبلیغات: آئین نامه حداقل دستمزد»، ش ۲ و ۳.
- کار (۱۳۲۵-۱۳۲۸)، «کارخانه چیت سازی بهشر»، ش ۲۱ و ۲۲.
- کار (۱۳۲۵-۱۳۲۸)، «راهنمایی و هدایت افکار کارگران از مهم ترین وظایف وزارت کار است»، ش ۱۸، ۱۹ و ۲۰.
- کار (۱۳۲۸)، «آموزش و پرورش»، ش ۳۴ و ۳۵.
- کار (۱۳۲۸)، «آموزش کارگران بیسواد»، ش ۳۰ و ۳۱.
- مصوبات:
- تصویب نامه هیئت وزیران راجع به آئین نامه های آموزش و پرورش کارگران؛ مصوب ۱۳۲۶/۰۴/۲۲
- تصویب نامه راجع به دارندگان گواهینامه مدارس اکابر دولتی؛ مصوب ۱۳۱۵/۰۶/۱۶
- راهنمایی افراد بی سواد برای تحصیل خواندن و نوشتن در مدارس اکابر؛ مصوب ۱۳۱۵/۰۶/۰۵
- نظامنامه تعلیمات اکابر؛ مصوب ۱۳۱۵/۰۳/۱۶ هیات وزیران